

مجله ی بین المللی تحقیقات علمی علوم اجتماعی
مجلة البحوث العلمية العالمية للعلوم الاجتماعية
Uluslararası Sosyal Bilimler Dergisi
International Journal of Social Science Research

دیوان

ISSN: 2706-6428 E-ISSN: 2707-7462

جلد: ۰۲ شماره: ۰۱ سال: ۱۳۹۹

ضرورت اجتهاد در عصر حاضر

ضرورة الاجتهاد في العصر الحاضر

Çağımızda İctihadın Gerekliliği

The Essential of Ejtihad in Contemporary Age

Doi: <http://dx.doi.org/10.48117/Diwan.2021.1>

پوهندوی شیرمحمد نبیل*

Makale Bilgisi / Article Information

Makalenin Türü/Article Type: Araştırma makalesi/Resarch Article

Geliş Tarihi / Received Date: 05.03.2020

Kabul Tarihi / Accepted Date: 09.09.2020

معلومات مقاله / المعلومات للمقالة

نوع مقاله / نوع المقالة: تحقیقی / تحقیقیة

تاریخ دریافت مقاله / تاریخ استلام المقال:

تاریخ پذیرش مقاله / تاریخ قبول المقال:

نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی

شیرمحمد نبیل، "ضرورت اجتهاد در عصر حاضر"، مجله دیوان ۱/۲ (جدی ۱۳۹۹)، ۹-۲۵.

Atıf

Sher Mohammad Nabil, "Günümüzde İctihadın Gerekliliği", *Diwan Dergisi* 2/1 (Ocak 2021), 9-25.

* استاد دانشکده شرعیات دانشگاه بلخ / افغانستان.

ORCID ID: 0000-0001-8412-4577

چکیده

واژه های کلیدی:

اجتهاد یکی از مصادر مهم تشریح اسلامی، ضرورت و نیازهای وجود بقای آن است، بناءً دروازه و بایی را که الله بر روی انسانها باز گشوده و برای ایشان وضع کرده است، هیچ کس حق انسداد و بسته کردن آنرا ندارد و نمیتواند آنرا ملغی نماید. مجتهد جامع الشرائط عالی مقام دارای اهلیت و ملکه استنباط، در هر عصر و زمان میتواند احکام شرعی رویداد های جدید را از منابع و مصادر قانونی آن استخراج نماید. اجتهاد عبارت است از بکارگیری آخرین حد توان در شناخت و استنباط احکام از دلایل شرعی بگونه ای که مجتهد در طلب بیش از آن در خود احساس عجز کند. بر امت اسلامی واجب است در هر زمان و مکان زمینه و شرائط مناسبی را غرض اجتهاد مجتهدان کرام مهیا و آماده سازند؛ تا ایشان به طور سهل و آسان بتوانند احکام شرعی را در قبال مسائل و قضایای مستحدثه استنباط نموده مشکلات جامعه ای خویش را در تمام عصور و بویژه معضلات و پرابلم های عصر جدید امت اسلامی را حل سازند.

ملخص

الكلمات المفتاحية:

الاجتهاد من مصادر شريعة الإسلام لضرورة له على مر الزمن، فلا يجوز لأحد إغلاق هذا الباب الذي جعله الله سبحانه وتعالى لصالح الأمة الإسلامية لحل القضايا المستجدة. والمجتهد هو الذي يستخرج أحكام الشرع من مصادرها الأصلية على حسب الأحداث الجديدة، وينبغي أن يكون المجتهد عالمًا بالكتاب والسنة، ويتوفر فيه شروط الاجتهاد، ويمتلك ملكة الاستنباط الصحيح. والاجتهاد هو بذل المجهود البالغ واستفراغ الوُسع إلى حده الأقصى في استنباط الأحكام من مصادر الشرع حيث لا يمكن للمجتهد طلب الزيادة أكثر من ذلك. ومن واجب الأمة الإسلامية توفير فرصة الاجتهاد في كل مكان وزمان ليتيسر للمجتهدين الكرام إصدار الأحكام الشرعية وفقًا للقضايا المستحدثة وأن يتمكنوا من حل مشاكل المجتمعات في العصور المختلفة لاسيما في العصر الحديث.

Anahtar Kelimeler:

İçtihat, İstinbat, Müçtehit, Mevzular, İslam Hukuku Kaynakları.

Özet

İçtihat İslami kaynakların temel unsurlarından olup İslam'ın devamlılığı için gereklidir. O sebeple Allah'ın insanlar için açtığı ve koyduğu kapıyı hiç kimsenin kapatmaya veya onu yok saymaya hakkı yoktur. Ehliyet sahibi zamanın yüksek içtihat makamı her dönem ve zaman diliminde şer'î hükümlerden yeni deliller ve çözümler çıkarabilir. İçtihat müçtehidin şer'î delilleri tanımak ve hüküm çıkarmak için elinden gelen gayreti göstermesidir. İslam ümmetinin her zaman ve ortamda müçtehidin içtihat edebilme ortamını yerine getirmeleri vaciptir. Böylece müçtehitler şer'î delillerden yola çıkarak ortaya çıkan yeni olaylarda hükümler ortaya koyarak kendi toplumunun sorunlarını çözebilir.

Keywords:

Cases, Ijtihad, Infer, Islamic law sources, Mujtahed.

Abstract

Ijtihad, as one of the great specialties of Islamic law allows it to be immortal. Since, almighty Allah has allowed the mankind to take part in legislation or infer from the gray commandment from Quran and hadith. No one has the right to deny it and no one can abolish. Ijtihad has its own circumstance; the one who is qualified and capable of Ijtihad can bring out new verdict from Islamic sources and can infer any commandments related to new events from the Islamic law sources. Ijtihad is the use of maximum power of knowledge to understand and infer commandments from Islamic law sources that Mujtahed is not capable of going beyond it. The Islamic nation is obligated to provide the opportunity and pave the way for doing Ijtihad to those who are capable of doing Ijtihad, so they could easily infer commandments related to new events and cases by which we can solve social and contemporary problems of Islamic nation.

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين نبينا محمد وعلى آله واصحابه الذين هم نجوم الاقتداء والاهتداء، و من دعا بدعوته الى يوم الجزاء.

اجتهاد در شریعت اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است و از فرآورده های اصلی اصول فقه بر شمرده میشود؛ زیرا به وسیله آن احکام شرعی از ادله تفصیلی استنباط میگردند.

اجتهاد در عصر پیامبر (ﷺ) صورت گرفته است و اصحاب و فقهاء به آن عمل کرده اند و پیامبر (ﷺ) اصحاب کرام را تشویق به اجتهاد بر مبنای قرآن و سنت نموده اند.

مجتهد والامقام در هر عصر و زمان مکلف است پیرامون نصوص ظنی الثبوت یا ظنی الدلاله و یا در مسائل غیرمنصوصی، نهایت تلاشی ورزد تا به مقصودی که مد نظر شارع است برسد، پاسخ به سوالات مطروحه داده شود، و مشکلات پیچیده جامعه هر چه زودتر حل گردد.

در دنیای معاصر بسیار بیشتر از گذشته به اجتهاد نیازمندیم؛ زیرا قضایا و مسائل بسیاری هر لحظه دچار تغییر و تحول می گردند و هر روزی که آفتاب بر امت اسلامی می دمد، مجموعه ای از مسائل تازه را با خود به همراه می آورد لازم است تا در پرتو شریعت اسلامی حکم و راه حل آن ارائه شود.

قضایا و مسائلی مانند انتخابات، مجلس نمایندگان، مجلس شورا و دیگر سیستمهای نوینی که لازم است احکام اسلامی راجع به آنها وجود داشته باشند، رویدادها و حوادث دیگری در مسائل عبادی، طبی و اقتصادی و...

پیشینه تاریخی اجتهاد:

آغاز اجتهاد به عصر حیات پیامبر (ﷺ) بر می گردد؛ چون ایشان عملاً در برخی قضایا برای امت اسلامی از طریق اجتهاد و بشکل قیاسگونه پاسخ ارائه نمودند. و گاهی بعضی از یاران خویش را به انجام اجتهاد تشویق و ترغیب نموده سنگ تهادب اجتهاد را میان امت اسلامی گذاشتند.

اصحاب رسول خدا (ﷺ) در حضر و سفر، هنگامی که در محضر پیامبر (ﷺ) می بودند، عموماً برای جواب مسائل به وی مراجعه می نمودند و زمانی که در مجلس پیامبر (ﷺ) حضور نمی داشتند، حل قضایای مطروحه و پاسخ مسائل پیش آمده را مانند معاذ بن جبل از قرآن و سنت و رأی و استنباط خویش دریافت می کردند.

بعد از رحلت پیامبر (ﷺ) باب اجتهاد به یکباره و کاملاً بر روی اصحاب گشوده شد و در دوره تابعین نیز علاوه بر نصوص آیات و احادیث نبوی، قول و فعل اصحاب معروف در ردیف منابع استنباط و استخراج احکام فقهی قرار گرفت، و به اساس تفاوت دانش و برداشت های علمی سبب اختلاف احکام فرعی گردید؛ زیرا اقوال اصحاب معروف بسا اوقات با هم متفاوت بود و همین موجب تفاوت اجتهاد علمای تابعین می شد.

در اواخر دوره تابعین، امام ابوحنیفه رهبر مذهب حنفی در عراق، و امام مالک رهبر و پیشوای مذهب مالکی در سرزمین حجاز، امام شافعی و امام احمد بن حنبل و سائر مجتهدین کرام در زمان حیات اجتهادی خویش از روی دلایل شرعی و قانونی با در نظر داشت روح و مقاصد شریعت اسلامی و مصلحت امت مسلمه روی قضایای جدید و مستحدثه ی عصر خویش اجتهاد نموده مشکل مردم را از این ناحیه حل و به سوالات ایشان پاسخ های قانع کننده ارائه نمودند و تا ایندم ادامه دارد.

بدون تردید اجتهاد نیاز زمان بوده و از ضرورت ها و ملازمات دین مبین اسلام است، دینی که می خواهد دوشادوش زندگی حرکت کرده و آنها را قیادت نماید. مخصوصاً در زمانی که تمدن، صنعت و تجارت به طور بی سابقه ای پیشرفت کرده است.

اهمیت تحقیق:

اجتهاد از برجسته ترین شاخصه های فقه اسلامی و موتور محرکی است که آنرا از رکود و توقف در برابر رویدادها و حوادث روز افزون بشری مصئون میدارد؛ زیرا اجتهاد پویا، فقه را با نیازمندیهای نوین زندگی انسانی با طرز تفکر اسلامی در پرتو اهداف شارع پیشاپیش عصر و زمان در حرکت در می آورد.

اجتهاد به شریعت اسلامی باروری و حاصلخیزی عطا می نماید، به ویژه در عصر و زمان ما که از یک سو زمان فتنه و آشوب است و از سوی دیگر عصر علم و سرعت در پیشرفت تکنالوژی است، مسائل و قضایای زیادی در باب معاملات، رویدادها و حوادث اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مطرح است، که جز در پناه و زیر چتر اجتهاد و شورای مجتهدین متخصص، چاره ای برای پاسخ به آنها نمی باشد، و این یگانه اجتهاد است که شریعت اسلامی را همساز و قابل اجراء در هر زمان و مکان می کند.

در عصر حاضر چه نیازی به اجتهاد است؟ آیا پیشینیان روی همه موضوعات بحث نموده اند و نیازی به اجتهاد جدید

نیست؟

هدف تحقیق:

کاربرد اجتهاد در عصر حاضر به عنوان ابزار غرض حل قضایای جدید و دریافت احکام مسائل مستحدثه و جدید و تعیین محدوده آن.

چون تحقیق هذا کتابخانه ای می باشد؛ بناءً از کتاب ها و منابع غنی علمی قدیم و جدید دسته اول متون اسلامی و غیره کتب و آثار علمی استفاده شده است.

•- تعریف اجتهاد:

الف- اجتهاد در لغت:

اجتهاد مصدر باب افتعال در لغت از ماده «جُهَدٌ» به ضم جیم به معنای نیرو، قدرت، توانائی، غایت و شدت هر چیز، و یا «جَهْدٌ» به فتح جیم به معنای کوشش، رنج، مشقت و تلاش است، و استعمال آن در باب افتعال «اجْتِهَادٌ» بسیار کوشش کردن و ماضی آن (اجْتَهَدَ) به معنای کوشش نمود، آمده است، و همچنین به معنای نهایت تلاش و کوشش در انجام کاری.^۱

ب- اجتهاد در اصطلاح:

قبل از اینکه به تعریف اصطلاحی اجتهاد از دیدگاه علماء و دانشمندان بپردازیم، لازم به یاد آوری است تا اشاره مختصری به علت و سبب اختلاف علمای علم اصول پیرامون تعریف اجتهاد داشته باشیم؛ تا پاسخ برخی از سوالات خود را دریافته سبب رفع و زدودن شبهات مان گردد.

علماء و دانشمندان اصول فقه، از دو جهت به تعریف اصطلاحی اجتهاد پرداخته اند: یکی از لحاظ اینکه معنای مصدری و فعل مجتهد است، دیگری از لحاظ اینکه صفت مجتهد است.

از آنجا که بعضی اصولیین راجع به تعریف اجتهاد به اعتبار معنی مصدری، واژه های مختلفی چون (بذل الطاقه)، (بذل الجهد) و (استفراغ الوسع) در صدر تعریف خود آورده اند و برخی کلمه (ظن) و گروهی واژه (علم) را در تعریف خود بکار برده اند. همچنان اجتهاد نزد بعضی، موجب ادراک حکم ظنی است و نزد برخی دیگری مقتضی ادراک علم و یقین به احکام است؛ لذا این تغییرات باعث کثرت تعاریف اجتهاد گردیده است.

^۱ لویس معلوف، فرهنگ جامع نوین عربی به فارسی، مترجم. احمد سیاح (تهران: اسلام، ۱۳۸۵ ش)، ۳۰۱.

با نگاه گذرا برخی از این تعریف ها را نقل نموده مورد نقد و بررسی قرار داده تعریف جامع و مانع از دیدگاه نویسنده و محقق را با ذکر مزایای آن برای خواننده های محترم تقدیم خواهم کرد.

۱- امام غزالی (متوفی ۵۰۵ هـ) میگوید: اجتهاد عبارت از بکار بردن مجتهد است توان خود را غرض رسیدن به احکام شرعی.^۲

۲- ابواسحاق شیرازی (متوفی ۴۷۶ هـ) میگوید: اجتهاد عبارت از بکار بردن منتهای کوشش و صرف نیرو و توان برای بدست آوردن حکم شرعی است.^۳

۳- علامه تفتازانی (متوفی ۷۹۳ هـ) چنین تعریف نموده است: اجتهاد بکارگیری حد نهائی قدرت و توان از جانب فقیه غرض بدست آوردن حکم شرعی ظنی است.^۴

۴- ابن همام حنفی (متوفی ۶۸۱ هـ) میگوید: اجتهاد بکار گیری حد نهائی قدرت و توان از جانب فقیه غرض بدست آوردن حکم شرعی ظنی است.^۵

۵- آمدی (متوفی ۶۳۱ هـ) میگوید: اجتهاد بکار گیری آخرین حد توان است در طلب ظن به چیزی از احکام شرعی به گونه که آدمی به بیش از آن قادر نباشد.^۶

۶- اجتهاد ملکه است که بوسیله آن توانائی بر استخراج احکام شرعی عملی از روی دلایل تفصیلی آن حاصل میگردد.^۷

نقد و تبصره:

تعریف امام غزالی شامل همه افراد معرف نمیشود؛ چون ایشان در تعریف خویش واژه علم را بکار برده اند و از استعمال کلمه علم دانسته می شود که ایشان ثمره و نتیجه اجتهاد را عموماً قطعی میدانند در حالی که چنین نیست؛ زیرا ثمره و

^۲ ابوحامد محمد بن محمد الغزالی، المستصفی من علم الاصول (بیروت: الرساله، ۱۹۹۷)، ۳۴۲.

^۳ أبو اسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف الشيرازي، اللمع في أصول الفقه (بی جا: دار الكتب العلمية، ۲۰۰۳)، ۱۲۹.

^۴ سعد الدين مسعود بن عمر التفتازاني، التلويح على التوضيح (کراچی: قدیمی کتبخانه، بی تا)، ۲۴۵.

^۵ کمال الدين الإسكندري ابن الهمام الحنفي، التحرير (مصر: بولاق، بی تا)، ۱۷۹.

^۶ أبو الحسن سيد الدين علي بن أبي علي بن محمد بن سالم الثعلبي الأمدي، الإحكام في أصول الأحكام (بیروت: المكتب الإسلامي، بی تا)، ۱۶۹/۴.

^۷ أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد ابن قدامه، روضة الناظر وجنة المناظر في أصول الفقه على مذهب الإمام أحمد بن حنبل (بی جا: مؤسسة الريان للطباعة والنشر والتوزيع، ۲۰۰۲)، ۳۳۴/۲.

فایده اجتهاد منحصر در احکام یقینی نمی باشد، بلکه غالب احکام مستنبطه و مستخرجه ظنی اند، بناءً تعریف متذکره شامل همه انواع اجتهاد نمی شود.

به نسبت استعمال کلمه ظن در تعریف آمدی و ابن همام اعتراضی وارد می شود که تعریف ایشان جامع و مانع نیست؛ زیرا تعریف متذکره، احکام استنباط شده قطعی و یقینی را شامل نمی شود و همچنان به نسبت عمومیت واژه ظن، ظن غیر معتبر را نیز شامل می شود، در حالی که ظن غیر معتبر از جمله احکام استنباطی محسوب نمی گردد. و در تعریف ابو اسحاق شیرازی تکرار دیده می شود و در عین حال از ادله شرعی، سخنی به میان نیامده است در حالی که استنباط احکام از دلایل شرعی بدست می آید. و از تعریف پنجمی عدم تجزیه اجتهاد دانسته می شود؛ در حالی که با واقعیت های عینی جامعه اسلامی تطابق ندارد.

هرچند در جواب اعتراض اول میتوان گفت: که هدف از علم مفهوم عامی است که شامل علم و ظن هر دو می شود. و در پاسخ به اعتراض دوم نیز باید گفت: که غرض از ظن در تعریف اجتهاد، ظن مطلق است که شامل علم نیز می شود و از قرینه اعتبار شرعی، ظن غیر معتبر را خارج می نمایم.

از تعریفات متذکره، تعریف امام غزالی قابل ترجیح است؛ زیرا هدف از علم معلومات است که از طریق یقین و ظن حاصل می شود.

با توجه به تعریفات یاد شده و صرف نظر از انتقادات وارده بر آنها، چنین تعریف نموده، مزایای آنرا مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و یافته های ارزنده را تذکر میدهم:

اجتهاد در اصطلاح: عبارت از بکارگیری آخرین حد توان در شناخت و استنباط احکام فرعی عملی از دلایل شرعی است بگونه ای که مجتهد در طلب بیش از آن در وجود خود احساس عجز کند.

مزایای تعریف:

از تعریف فوق نکات ذیل بدست می آید:

۱- مجتهد باید منتهای سعی و کوشش خود را بکار گیرد به نحوی احساس نماید که افزون بر آن قاصر و ناتوان است.

۲- سعی و تلاش باید از طرف مجتهد جامع شرایط صورت گیرد؛ بنابر این تلاش و کوشش غیر مجتهد، قابل

اعتبار شرعی نیست.

۳- تلاش و کوشش مجتهد باید به منظور آگاهی به احکام شرعی فرعی عملی باشد، نه موارد دیگری از قبیل احکام لغوی، عقلی و یا حسی و غیره.

۴- شناخت و آگاهی مجتهد به احکام شرعی باید از طریق استنباط باشد یعنی از راه نظر و جستجو در ادله شرعی؛ بنابر این اگر مجتهد احکام مسایل را از حفظ، یا از طریق فتاوا، و یا کتب علمی بدست آورده باشد هیچ یکی از اینها مشمول اجتهاد اصطلاحی نخواهد بود.

علاوه بر مفاد متذکره از تعریف لغوی اصطلاحی اجتهاد غرض تفاوت‌های تشریح و اجتهاد برنکات ارزنده نایل می‌شویم که ذیلا می‌نگارم:

(۱)- خداوند حکیم یگانه حاکم، مُشَرِّع و ایجاد کننده احکام است، مجتهد و الامقام تنها احکام مسائل مستحدثه و رویداد های جدید را کشف و استنباط مینماید.

(۲)- اطاعت و فرمانبرداری از الله (ﷻ) در همه امور لذاته واجب است؛ چون وی متبوع است، اما پیروی از مجتهد، قاضی، مفتی، امام و پیشوای بالتبع است؛ زیرا ایشان تابع الله منان بوده، کاشف و بیان کننده احکام الهی اند.

(۳)- تنها پیامبران الهی (علیهم السلام) و به ویژه سیدنا محمد (ﷺ) و شریعت پروردگار عالم معصوم است، اجتهاد مجتهدین از خطاء و اشتباه محفوظ نمی باشد.

(۴)- شارع حکیم از عمل کرد خویش مورد بازجوئی کسی قرار نمیگیرد، اما مجتهد بزرگوار مورد سوال و بازپرس قرار میگیرد.

(۵)- الله ذو الجلال حق تبدیل و نسخ را دارد، اما مجتهد مسلمان صلاحیت و توان نسخ، تبدیل، تغییر و تعطیل احکام الهی را ندارند؛ چون طاعت و عبادت و اظهار بندگی به درگاه ذات اقدس متعال شرط پیروزی و کامیابی او محسوب می گردد؛ زیرا تابع همیشه از متبوع پیروی و اطاعت مینماید.

ارکان اجتهاد:

نظر به تعریف اصطلاحی اجتهاد دارای چهار رکن اساسی است: نفس اجتهاد، مجتهد، مجتهدفیه و ادله شرعی.^۸

۱- نفس اجتهاد: بذل جهد و استفراغ وسع جهت رسیدن به حکم قضیه جدید.

^۸ سید محمد موسی توانا، الاجتهاد (قاہرہ: دارالکتب الحدیثہ، ۱۳۵۰ ش)، ۱۲۱.

۲- مجتهد: با توجه به تعریف اجتهاد، میتوان مقصود از مجتهد را هم دریافت؛ چون مجتهد اسم فاعل، مشتق از اجتهاد شده است و در لغت به معنی کسی که نهایت توان خود را در انجام فعلی، به خرج دهد. و در اصطلاح علمای اصول مجتهد شخصی است که ملکه اجتهاد، یعنی قدرت و توانایی استنباط احکام شرعی فرعی عملی از ادله تفصیلی آنها در او موجود باشد.

۳- مجتهد فیه: مسئله، قضیه و رویداد جدیدی در مورد حکم شرعی عملی آن دلیل قطعی نباشد و مجتهد در سدد استنباط حکم آن است.

۴- دلایل شرعی.

دلایل شرعی دو قسم اند: دلایل اتفافی و دلایل اختلافی.

(۱) - دلایل اتفافی به نزد جمهور: قرآن کریم، سنت، اجماع و قیاس میباشد.

(۲) - دلایل اختلافی به نزد جمهور: قول صحابی، عرف، سد ذرایع، مصالح مرسله، استحسان، شرع من قبلنا، استصحاب و استقراء.

ادله شرعی به دلایل نقلی و عقلی نیز تقسیم می شوند.

الف - دلایل نقلی: کتاب، سنت، اجماع، عرف، شرع من قبلنا (شراعی پیشینیان) و قول صحابی.

ب - دلایل عقلی: قیاس، مصالحه مرسله، استحسان، سد ذرایع و استصحاب.^۹

تبصره:

مسئله و قضیه ی تازه، رویداد و یا حادثه ی جدید، واقع می شود و مقتضی حکم شرعی است، مجتهد و الامقام به اساس دلایل شرعی با بذل جهد و بکار اندازی نهایت توان و قدرت، تحمل مشقت با در نظر داشت اهداف و مقاصد شریعت اسلامی، مراعات مصلحت و زدودن ضرر احتمالی و حکم شرعی را استنباط نموده مشکل مردم و ملت مسلمان را از این ناحیه مرفوع می سازد.

^۹ وهبة بن مصطفى الزحيلي، اصول الفقه الاسلامی (پاکستان: رشیدیہ، بی تا)، ۴۱۸/۱.

بناءً وجود حادثه برای مجتهد غرض استنباط حکم مسئله از ادله شرعی، اجزائی اند که اجتهاد را تشکیل میدهند، و در نهایت دستیابی مجتهد به حکم قضیه که عمل و نتیجه کار و زحمت او است به مجتهد فیه تعبیر گردیده است و این امور چهارگانه ارکان اجتهاد اند.

در عصر حاضر چه نیازی برای اجتهاد است؟

قبل از پاسخ به سوال سخنان ارزشمندان برخی از دانشمندان اصولی معاصر را نقل می نمایم تا مقدمه ای جواب عنوان مان گردد.

۱- اجتهاد حیات تشریح اسلامی است، تا زمانیکه که فقه و اجتهاد پویا و متحرک نباشد، شریعت زنده و پایدار نخواهد ماند؛ زیرا از مقتضیات رشد و تکامل حیات شریعت و ضرورت انتشار آن در جهان، اعتقاد جازم به وجود بالفعل اجتهاد است، به ویژه در عصر ما که عصر علم و سرعت در پیشرفت تکنولوژی است، مسائل و حوادث زیادی در باب معاملات و قضایای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی مطرح است که جز در پناه اجتهاد و شورای مجتهدین متخصص، چاره ای برای پاسخ به آن نیست. و اجتهاد است که شریعت را همساز و قابل اجرا در هر زمان و مکان قرار می دهد.^{۱۰}

۲- تن دادن به ضعف و سستی در مسائل اجتهادی و خود را راضی نمودن به آنچه در متون کتب گذشتگان است و در نتیجه عقب ماندن از کاروان تمدن و تکامل علم و اجتناب در توسعه مبادی فقه و اجتهاد از جمله مسائلی است که مورد پسند و رضای خداوند و رسول گرامیش خواهد بود؟.

اجتهاد در این عصر از هر حیث لازم بلکه ضروری است، و هیچ مشکلی در بر ندارد به شرطی که آن اوهام و خیالات پوچی که به روان ما نفوذ کرده، آن زنگار و ابر تیره ای که بر خورشید عقل و قلب ما سایه افکنده برداییم. و آن ظن فاسد و گمان بدی که به علمای معاصر تلقین شده مبنی بر این که امروزه اجتهاد کردن محال است و ما هیچ گاه نمی توانیم پا جای پای گذشتگان بگذاریم را از خود دور سازیم، زیرا چنین اندیشه ای هیچ گونه مبنای شرعی ندارد.

آیا امروز پس از کشف فضا و اختراع اتم و کامپیوتر و غیره باز می توان گفت که عقل و اندیشه بشر، در باب استنباط مسدود است؟^{۱۱}

^{۱۰} شیخ خضری بیگ، اصول الفقه (بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا)، ۱۷۵.

^{۱۱} یوسف قرضاوی، اجتهاد در شریعت اسلام، مترجم. احمد نعمتی (تهران: احسان، ۱۳۸۸ ش)، ۹۶-۹۸.

ضرورت اجتهاد در عصر حاضر:

زمانی درباره اجتهاد معاصر بحث میکنیم. اولین پرسشی که فرا روی ما قرار میگیرد اینست که آیا در حقیقت ما به این نوع اجتهاد نیاز داریم و یاخیر؟ در زمان کنونی و عصر فعلی برای اجتهاد چه ضرورت است؟

بعضی از پژوهشگران علوم اسلامی که میراث گرانبهای گذشتگان به گونه های افراطی آنان را شگفت زده کرده و نیز اعتماد و اطمینان خارج از اندازه نسبت به فقهای گذشته دارند، میگویند: ما به اجتهادی جدید نیاز نداریم، وبه هیچ مسئله برخورد نمیکنیم مگر اینکه نمونه ای آنرا در گفتار دانشمندان پیشین میابیم؛ زیرا فقهای پیشین ما، هم برای حوادث واقعی عصر خود و هم بصورت فرضی برای قضایا و حوادثی که در آینده رخ میدهد اقدام به اجتهاد نموده اند، وما اکنون پس از آن علمای نابغه وطراز اول، نیازی به تأسیس وتجديد دوباره اجتهاد نداریم، مثل معروف است که میگویند «وکل صید فی الجوف الفرا» هر شکاری درکمین است.

وبرای ما راه چاره دیگری نیست جز اینکه باید به کتاب های آنان مراجعه نمائیم، تا گمشده خود را در آنها بیابیم و از طریق نص عبارت آنان و یا از طریق قیاس و یا تخریح از بیانات آنان به جواب مسایل و مشکلات خود نایل آئیم.

اگر امروزه ما بوسیله تحقیقات و بررسی های متعدد در پرتو مذاهب و مشرب ها و سلیقه های متنوع، اجتهادات واقعی و فرض گذشته گان را مورد بررسی و نقد قرار دهیم هیچگاه موجب کاهش ارزش میراث فرهنگی گذشتگان و عظمت فقهای ما نخواهد شد.

و در حقیقت باید بگویم: ادعای اینکه پاسخ هر پرسش جدید و هر حادثه نوین در کتب گذشتگان یافت میشود، جز مبالغه در ادعا و تجاهل به واقعیت امر نمی تواند باشد؛ زیرا هر عصر و زمانه، مشکلات، و واقعات و نیازمندی های مخصوصی به خود دارد.

کره زمین در گردش است، افلاک حرکت میکنند، جهان به سیر خود ادامه میدهد و عقربه های ساعت متوقف نمی گردند.

لذا با این چرخش های مستمر و حرکت های دایمی وسیر سریع جهان، شب ها و روزها، حوادث و واقعات جدید میزایند که نه فقط گذشته گان از آن آگاه نبودند، بلکه به فکر وخیال آنان هم خطور نکرده است. و اگر حوادث و رویداد های این جهان را به آنان متذکر می شدی آنها را جزو محالات به شمار می آوردند! پس چگونه باید تصور کنیم که حکم چنین مسایل و وقایع جدید، در کلام آنان ملحوظ است!.

در حالیکه نسبت به لحظه های از زمان آینده خود، آگاه و مطلع نبوده اند. برعلاوه بعضی وقایع و امور قدیم دستخوش تغییر حالات شده اند که به سبب تغییر طبیعت، حجم و تأثیر آن، حکم وقایع هم دستخوش تغییر میشوند و حوادث جدید هیچ گونه مناسبت و سازش با حکم فتوی که گذشته گان درباره آن نموده اند، نخواهند داشت و این امر باعث شده که آنان بر حسب تغییر زمان، مکان، عرف و عادات و حالات، اقرار به تغییر فتوی نمایند، و این موضوع در بسیاری از کتب مذاهب متبوع به چشم میخورد.

بنا بر این! مادامیکه وقایع زنده گی در تغییر و تحول، و حالات جامعه در تطور و دگرگونی باشد، و شریعت اسلام در هر زمان و مکان حاکم، مسلط و صلاحیت پاسخ گوئی به تمام خواسته های بشریت را دارا میباشد، ضرورت به اجتهاد به عنوان یک نیاز دایمی و همیشگی تلقی میگردد. و مخصوصاً در عصر ما تحولات سرسام آور که به دنبال انقلاب های صنعتی، و پیشرفت های تکنالوژی و ارتباطات سریع و وسیع که جهان را به یک دهکده کوچک تبدیل کرده بیشتر از هر عصر دیگری نیازمند اجتهاد میباشد؛ زیرا قضایا و مسائل بسیاری هر لحظه دچار تغییر و تحول می گردند و هر روزی که آفتاب بر امت اسلامی می دمد، مجموعه ای از مسائل تازه را با خود به همراه می آورد که لازم است در پرتو شریعت اسلامی حکم و راه حل آن ارائه شود.

بطور مثال به برخی از مسائل و قضایای عبادی، اقتصادی و طبی اشاره می نمایم که غرض دریافت راه حل به سعی و تلاش عمیق و بیشتر در حوزه ی اجتهاد نیازمندند:

۱- در مسائل عبادی:

حکم نماز و روزه در مناطق قطبی که شش ماه شب و شش ماه روز است و یا در برخی مناطق که شب و روز از حد متعارف خارج گشته چگونه است؟

حکم نمازه و روزه در سفرهای فضایی که تشخیص شب و روز ناممکن است و یا نحوه ی استقبال قبله برای ساکنان در کرات دیگر چگونه است؟

آیا دیدن هلال ماه با ابزار جدید امروزی ارزش و اعتبار دارد یا خیر؟ و...

۲- اجتهاد در زمینه اقتصاد و بانک داری:

بدون تردید در عصر حاضر در زمینه اقتصادی و مالی، تشکیلات و سیستمهای جدیدی تبلور میکند که در زمانهای گذشته سابقه نداشته است. مانند اجرای عقد از طریق وسایل امروزی مانند تلفن، اینترنت، و مانند آنها چگونه است؟

شرکت های بیمه و انواع مختلف بانکداری با شیوه های کاری گوناگون آنها از قبیل: حساب جاری، سپرده ها و... چه حکم دارند؟ آیا خرید و فروش اعضای بدن، اجاره ی رحم جهت پرورش جنین جایز است یا خیر؟ و...

۳- اجتهاد در مورد طب و طبابت:

بدون شک اکتشافات علمی و اختراعات تکنولوژی سرسام آور به وسیله فکر و تلاش انسان رویدادها و حوادثی را در زمینه ی طب و طبابت تقدیم جامعه ی بشری نموده که نسبت به دورانهای گذشته مستحدثه و متغیر اند و از فقه اسلامی پاسخ طلبند و از مجتهد معاصر می خواهد تا در جهت استخراج حکم مناسب آنها جد و جهد نموده مشکل اجتماع انسانی را رفع سازد.

مانند برخی از عیوب موجب فسخ نکاح مانند افضاء،^{۱۲} قرن ۱۳ و جذام^{۱۴} که در عصر کنونی قابل تداوی و درمان اند در زمان فعلی موجب فسخ نکاح اند یا خیر؟ جدا کردن اعضای حیاتی بدن و پیوند آن به بدن دیگری، استفاده از خون، کالبد شکافی جهت کشف جرم در مرگهای مشکوک چه حکم دارد؟ آیا سقط جنین در حالت ثبوت یقینی که بچه ناقص الخلقه است در هر شرایطی جایز است یا خیر؟ و...

موضوعات ذکر شده و ده ها موارد دیگر از جمله حوادث و مسائل مستحدثه و جدیدی اند که از فقه اسلامی پاسخ می طلبند و باید مجتهدان این عصر و زمان در این موارد اجتهاد نمایند و مشکل و معضل مردم خویش را از این ناحیه مرفوع سازند.

^{۱۲} افضاء عبارت است از اینکه مسلك بول و حیض یکی شده باشد؛ عبد العزیز عزت عبد الجلیل الحسن، تعریفات ومصطلحات فقهیة فی لغة معاصرة (بی جا: بی نا، بی تا)، ۴۷.

^{۱۳} مریضی که مانع مقاربت جنسی می شود به سبب روئیدن گوشت یا غده و یا استخوان که فرج را مسدود می سازد؛ الحسن، تعریفات ومصطلحات فقهیة فی لغة معاصرة، ۴۷.

^{۱۴} نوعی بیماری عفونی و مزمن که ایجاد زخم و جراحت کرده و در بعضی اعضای بدن با ایجاد بی حسی، موجب فساد آن عضو می شود؛ أحمد مختار عبد الحمید العمر، معجم اللغة العربیة المعاصرة (بیروت: عالم الکتب، ۲۰۰۸)، ۳۵۶/۱.

نتیجه گیری

در واقع با آمدن اسلام ونزول قرآن کریم دین اسلام کامل شد، و سلسلهٔ ارسال رسل با فرستاده شدن ناجی عالم بشریت محمد مصطفی (ﷺ) خاتمه یافت، و غرض دعوت و ارشاد مردم نیازی به ارسال رسل نیست؛ زیرا مسئولیت دعوت و تبلیغ بدوش امت اسلامی و به ویژه وظیفه ای علماء و دانشمندان قرار گرفت.

قرآن کریم با احکام و قوانین خود اساس و زیر بنای مطالب تشریحی بشری را بنیان گذاری کرد، سیرهٔ پاک و سنت مطهر پیامبر (ﷺ) به عنوان مبین و مفسر قرآن در میان ما مسلمانان تابان و درخشنده است.

اسلام یک قانون و برنامهٔ کامل و شامل در همه ابعاد زندگی بشر است، پاسخگوی سوالات مطروحه و جواب ده مسایل مستحدثه در هر زمان و مکان است، ازینکه نصوص شرعی متناهی و محدود اند، قضایا و رویدادهای روز افزون بشری نامحدود و غیر متناهی اند، باید قانون دانان و مجتهدان دارای شرائط اجتهادی در هر زمان و مکان مطابق شرایط و ظروف احکام جدید و مورد نیاز جامعهٔ اسلامی را راجع به مسایل و حوادث متجدده با توجه با اصول ثابت شریعت و موافق با روح و قواعد کلی اسلام، و با استفاده از دلائل احکام، استنباط و استخراج کنند، و در اختیار افراد جامعهٔ اسلامی قرار دهند، و به سوالات امت اسلامی پاسخ ارائه نموده مشکلات مردم را حل نمایند.

لذا در هر برهه ای از زمان وجود مجتهدان ضروری است، و به سبب سهولت های علمی و در اختیار قرار گرفتن اسباب و وسائل تحقیق و نزدیکی کشورها و داشتن روابط دوستانه و ایجاد مجمعه های علمی و تحقیقی و دارالافتاء ها در کشورهای اسلامی و تولد قضایای جدید، نیاز جدی به اجتهاد و استخراج احکام رویداد ها و مسائل مستحدثه به صورت شورائی و گروهی و تا حد امکان اتفاقی و جماعی است.

پیشنهادات:

۱- با توجه به گسترده شدن ابواب فقهی و عدم امکان احاطه ی یک مجتهد به همه مسائل از یک سو و دشواری شناخت موضوعات که نیازمند تخصص و آگاهی در همه ابواب فقه اسلامی است، ضرورت به آرای جمعی بیش از گذشته احساس می شود.

۲- در همه کشورهای اسلامی مجمعه های علمی و تحقیقی ایجاد و تقویه شوند و روابط دوستانه میان مجامع علمی و تحقیقی برقرار شود و حد اقل در هر ماه شورای علمی و مشورتی خویش را دایر نموده نظریات مختلف تا حد امکان متحد واز صدور فتاوی پراکنده جلوگیری شود.

۳- حکومت های کشورهای اسلامی و نهادهای خیریه زمینه فعالیت های اجتهادی را مساعد سازند؛ تا متخصصین مسلمان و مجتهدین امت اسلامی دسترسی کامل به منابع و کتابخانه ها پیدا کرده با دانشمندان و فقهای دیگر نظریات جدید خویش را شریک نموده توافق ملی انجام شده از اختلاف جلوگیری بعمل آید.

منابع

- ابن قدامه، أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد. روضة الناظر وجنة المناظر في أصول الفقه على مذهب الإمام أحمد بن حنبل. بی جا: مؤسسة الريان للطباعة والنشر والتوزيع، ۲۰۰۲.
- الآمدي، أبو الحسن سيد الدين علي بن أبي علي بن محمد بن سالم الثعلبي. الإحكام في أصول الأحكام. بيروت: المكتب الإسلامي، بی تا.
- التفتازاني، سعد الدين مسعود بن عمرو. التلويح على التوضيح. كراچی: قديمی كتبخانه، بی تا.
- الحسن، عبد العزيز عزت عبد الجليل. تعريفات ومصطلحات فقهية في لغة معاصرة. بی جا: بی نا، بی تا.
- الحنفي، كمال الدين الإسكندري ابن الهمام. التحرير. مصر: بولاق، بی تا.
- الزحيلي، وهبه. اصول الفقه الاسلامي. پاکستان: رشيديه، بی تا.
- الشيرازي، أبو اسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف. اللمع في أصول الفقه. بی جا: دار الكتب العلمية، ۲۰۰۳.
- العمر، أحمد مختار عبد الحميد. معجم اللغة العربية المعاصرة. بيروت: عالم الكتب، ۲۰۰۸.
- الغزالي، ابو حامد محمد بن محمد. المستصفي من علم الاصول. بيروت: الرسالة، ۱۹۹۷.
- بيگ، شيخ خضري. اصول الفقه. بيروت: دار احيا التراث العربي، بی تا.
- توانا، سيد محمد موسى. الاجتهاد. قاهرة: دارالكتب الحديثه، ۱۳۵۰ ش.
- قرضاوی، يوسف. اجتهاد در شريعت اسلام. مترجم. احمد نعمتی. تهران: احسان، ۱۳۸۸ ش.
- لویس، معلوف. فرهنگ جامع نوین عربی به فارسی. مترجم. احمد سیاح. تهران: اسلام، ۱۳۸۵ ش.